

آمیولانس

لطفاً آلوده نشوید



پوریا عالمی

● از صبح سه‌هزارمیلیاردنفر / تومانی با آمیولانس تماس گرفتند و می‌گویند آلوده شده‌اند. سه‌هزارمیلیاردنفر / تومانی شوخی نیست‌ها. ممکن است فکر کنید ما داریم به محمودرضاخاوری تکه می‌اندازیم که سه‌هزارمیلیاردتومانی را هپلی کرد و بیه اندازه سه‌هزارمیلیاردنفر حال کرد و بعد هم باشند رفت بغل سلین دیون، همسایشان شد و بعد از سلین دیون، یک لیوان آب هم روش خورد اما نه. ما آمیولانس چی هستیم و از چشم‌پودل سیر هستیم. نه چشممان دنبال سه‌هزارمیلیاردتومانی انحرافی است، نه چشممان سلین دیون را گرفته. خلاصه وقتی سه‌هزارمیلیاردنفر تومانی با آمیولانس تماس گرفتند و گفتند آلوده شده‌اند، دیدم نمی‌شود که بلند شوم بروم تکتک همه‌شان را تنفس مصنوعی بدهم. برای همین رفتم دنبال ریشه آلودگی. چه چیزی می‌تواند سه‌هزارمیلیاردنفر تومانی را آلوده کند؟ اول کوبیدم رفتم تا جاده چالوس و نگاه کردم ببینم توی سد کرج، جوارب آلودای، چیزی یافتاده باشد که همه آلوده شده‌اند. اما نبود. بعد کوبیدم و رفتم تا شهری و نگاه کردم ببینم آب فاضلاب تهران را باعث رشد و قوت و انرژی زیاد سبزیجات و صیفی جات زمین‌های شهری می‌شود، باعث آلودگی شده، که دیدم همه مسئولان دارند هر گونه آلودگی به‌خاطر آبیاری سبزیجات را تکذیب می‌کنند.

بعد کوبیدم رفتم تا منجیل و گفتم شاید یک آدم خوش‌صدا، جلو باد نشسته و باعث آلودگی، البته آلودگی صوتی، شده است، که کسی نبود. بعد گفتم زنگ بزنم آقای احمدی‌نژاد و زدم و پرسیدم: «آقا شما باعث آلودگی نبودید، با این بنزن توی بنزن که غیراستاندارد بود؟» که آقای احمدی‌نژاد گفت: من از شما می‌پرسم... انگشت به دندان و دندان به زبان و زبان به دهان گرفته، حیران مانده بودم که بکهو دیدم یکی می‌زند به شیشه آمیولانس. شیشه را کشیدم پایین. محمدرضا زائری، مدیرمسئول نشریه «خیمه» بود که پرسید: دنبال چی می‌گردی عمو؟ گفتم: دنبال منبع و منشأ آلودگی. زائری گفت: «سعید مر تقوی خیلی‌ها را آلوده و جوری دیگران را درگیر کرده که کسی نتواند به عمق ماجرا راه یابد.» گفتم: اوه مای‌لاو... پس من هم نمی‌توانم به عمق ماجرا راه بیابم. آدم باهاس جواشش باشد یکهو انحرافی نییچد و آلوده نشود. بعد که دیدم جریان آلودگی اینطوری است زار گریستن بکردمی و بی‌خیال شدم و رفتم توی افق گم شدم.

شترق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ • ۱۹ رجب ۱۴۳۵ • ۱۹ می ۲۰۱۴ • سال یازدهم • شماره ۲۰۱۹ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۶ • اذان صبح فردا ۴:۱۶ • طلوع آفتاب ۵:۲۶

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی رومانی
aliriromani84@gmail.com

www.sharghdaily.com

گزارش فردا

هدیه هوشنگ کامکار، اکبر زنجان پور و منوچهر معتبر به رفیق دیرینه‌شان

احمد رضا احمدی؛ فرشته‌ای بی‌بال



عسل عباسیان



با اوست. او در اوج درد و رنج، باز هم می‌خندد و استوار است. شبیه صورتک تئاتر که یک چشمش لیخند و یک چشمش اشک است! «احمد رضا» هم همیشه با یک چشم می‌خندد و با چشم دیگر می‌گریه. امیدوارم این مرد بزرگ ادب ایران زمین همیشه بخندد. جامعه ما باید بیش از این قدر این بزرگمرد را بداند. به گمانم خیلی‌ها هنوز نمی‌دانند «احمد رضا احمدی» چه گنجینه‌ای در سینه دارد. برای او آرزوی سلامت و گردن کلفتی روحش را دارم. امیدوارم باز هم همه دردها را با لیخند تحمل کند کاش همه ما بتوانیم مثل این مرد، قوی، پرحل و وارسته باشیم. «منوچهر معتبر» نقاش شناخته‌شده‌ای که «احمد رضا» رمان «آپارتمان؛ دریا» را به او تقدیم کرده هم به این رفافت می‌بالد و می‌گوید: «ما رفقای خیلی خوبی هستیم. ذهنیت «احمد رضا» به ذهنیت من بسیار نزدیک است. او برایم آدم جالبی است. همیشه شعرهایش را می‌خوانم و حفظ می‌کنم، چون کلماتش حس بی‌نظیری به من می‌دهند. «احمد رضا» و جایگاهی که برای من دارد، بیان‌شدنی نیست، نمی‌توانم در قالب کلمات بگویم که او برایم چقدر عزیز و رفیق است. وقتی شعرهایش را می‌خوانم، انگار خودم آنها را سرودم. تولد او را واقعا مبارک می‌دانم. او با کلمات انگار همان کاری را می‌کند که من با تصویر می‌کنم» «احمد رضا احمدی» فردا در حالی تولدش را جشن می‌گیرد که هدیه دوستانش به او همین است که آنچنان از خوبی‌ها و گنج وجودش بگویند که از حلاوت کلماتشان بتوان فهمید که رفیقشان را، فرشته‌ای بی‌بال می‌دانند. تولد شاعر، تولد دنیایی از واژه‌هاست. تولد «احمد رضا» بر ما و واژه‌ها مبارک.

درام تلفنی

شما

– میشه بگی به من زنگ بزنی.
– بله.
– منو شناختی؟
– نه.
– پس میگم به چه کسی زنگ بزنی؟
– به شما.
– اسم منو که نمی‌دونی.
– نه.
– من گیتا هستم – بگو.
– شما گیتار هستید.
– گیتار نه. گی... تا.
– بله.



سوسن مقصودلو

– الوووو
– سلام خانوم کوچولو.
– سلام.
– مامان هست؟
– بله.
– میشه من باهاشون حرف بزنم.
– نه.
– چر؟
– چون تو حمومه.

فردا گذرانی

● نخستین شماره فصلنامه «تصویرنامه» به سردبیری هوشیار انصاری‌فر را می‌توانید فردا از کیوسک‌های روزنامه‌فروشی بخريد. این فصلنامه به پهای هشت‌هزار تومانی در نخستین شماره خود، مقالاتی از ناصر فکوهی، فرخنده حاجی‌زاده، خلیل درمنکی و... همچنین گفت‌وگویی با رضا برهانی منتشر کرده است. ● فردا روز آخر بازدید از نمایشگاه آثار نقاشی «علی شهبازی» در نگارخانه کهنی است.

● «از هزار و سیصد و چوند» نام کتاب جدید ناهید کبیری است که در نمایشگاه کتاب از سوی انتشارات ابتکار نو منتشر شد و می‌توانید فردایشان را با مطالعه آن بگذرانید. این کتاب از نگاهی شاعرانه اشاره به چند کار ادبی و هنری است. در این کتاب از نویسندگان و هنرمندانی مانند سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد،



شهروندی و بحران خاموش
ترجمه‌ای از خشایار دیهیمی

به پدرم گفتم: شاعر من ناجر
یک فنجان اسپرسو
با عبده کوثری

فهرمان من: پتر بن
نوشته‌ای از مدیا کاشیکر

نجم‌زاده‌شمسکین
پرونده‌ای به بهانه
ترجمه دوباره «مزرعه حیوانات»
جورج اورول

کار متقدارزش گذاری بست
گفت‌وگویی با حسین پاینده

فرنگی شدن
عذای ایرانی
پژوهشی تاریخی
از عصر قاجار
تا پهلوی و امروز
به قلم هوشنگ شهبازی

ادای دین من به بهیگی
گفت‌وگویی با محمود دولت‌آبادی
به بهانه انتشار «وزیر بری‌امیر حسنگ»

آن که گفت آری
آن که گفت نه

اخلاص زینتی بدون دخالت دولت
گفت‌وگویی مصطفی ملکیان با ابوالقاسم فنایی

پرونده‌ای در نقد و بررسی
مبارزه مستحانه
در دهه‌های چهل و پنجاه
با آثاری از:
مرتضی مردی‌نیا، سوسن شریعتی
محمدعلی همامیون کائوزیان
عاز باز بهروز - علی فردوسی
افشین مبین عسکری
حبیب‌روشندل - محمد نوسلی
و میرگردی با حضور
هاشم آقاچری، هوشنگ ماهروانی، سعیدلیلاز

پانزدهمین شماره اندیشه پویا منتشر شد

جنگجوی تنها
مجله «اندیشه و هنر»
به روایت
همسر و همکاران
ناصر و نوین

سامسونگ

SAMSUNG

قرعه‌کشی بزرگ کولرگازی

دستگاه خود روی بزن

برای ارسال مدارک قرعه‌کشی اولین دستگاه

فقط

۵

روز

فرصت دارید...

جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت www.samservice.com مراجعه نمایید.

فقط با ضمانت سرویس
مرکز تماس: ۸۲۵۵-۰۲۱